



## اختلالات یادگیری

# و سوختن اعتماد به نفس

حدیثه اوتادی

### مقدمه

زمانی بود که دانش آموزانی را که در یادگیری یک یا چند درس مشکلات بارزی داشتند با اصطلاحاتی چون معلول ادراکی، آسیب دیده مغزی و آسیب دیده عصبی معرفی می کردند و بدتر اینکه به بسیاری از این دانش آموزان برچسب کندذهن و عقب مانده و امثال آن می زدند. اما با توجه به یافته های جدید در مورد یادگیری، امروزه متخصصان اصطلاح «ناتوانی های یادگیری» را جایگزین اصطلاحات قبل کردند، هر چند واژه ناتوانی، باز هم اصطلاحات دیگری مثل ناتوانی جسمی یا ناتوانی ذهنی را تداعی می کند، یعنی ناتوانی هایی که تبدیل به توانایی کامل نمی شوند. بنابراین به نظر می رسد اگر اصطلاح «اختلالات یادگیری» و یا «مشکلات یادگیری» به کار گرفته شود مناسب تر باشد. ۸۵ تا ۹۰ درصد اختلالات یادگیری به اختلالات خواندن مربوط است؛ (اختلال در یادگیری ریاضیات و حل مسئله هم نوع دیگری از اختلال های یادگیری است) این ناتوانی ممکن است به صورت اختلال در گوش دادن، فکر کردن، سخن گفتن، خواندن، نوشتن، هجی کردن یا حساب کردن ظاهر شود. کودکان دارای اختلال یادگیری ظاهری طبیعی دارند. رشد جسم و قد و وزنشان حاکی از بهنجار بودن آنان دارد. هوششان عادی است. به خوبی صحبت می کنند. مانند سایر کودکان بازی می کنند و مثل همسالان خود با سایرین ارتباط برقرار می کنند. در خانه نیز خودبازی های لازم را دارند و کارهایی را که والدین به آنان واگذار می کنند به خوبی انجام می دهند و از رفتار و اخلاق عادی برخوردارند. اما وقتی به مدرسه می روند و می خواهند خواندن و نوشتن و حساب یاد بگیرند دچار مشکلات جدی می شوند. افراد دارای اختلالات یادگیری در تمام سطوح و در تمام پایه های درسی، از آمادگی تا دانشگاه، وجود دارند. امتیاز کودکانی که در سطوح دبستانی درس می خوانند و اختلال یادگیری دارند این است که تأکید و علاقه به شناسایی و درمان این گونه کودکان در این دوره بیشتر است. ضمناً، بر اساس تحقیقات انجام شده، اختلال های یادگیری در پسران چهار برابر دختران است.

## اختلال خواندن

افرادی که دچار اختلال خواندن هستند به سه دسته تقسیم می‌شوند: اول گروهی که اختلال خواندن آوایی دارند. این افراد مجموعه لغات نسبتاً زیاد و قابل توجهی را در ذهن‌شان ذخیره می‌کنند. اما هجی کردن آن‌ها ضعیف است. گروه دوم افرادی هستند که اختلال خواندن ایده‌ای دارند، یعنی می‌خوانند و هجی می‌کنند اما در ساختار بینایی لغت اشکال دارند. و گروه سوم افرادی که مشکل هر دو گروه اول و دوم را دارند.

## اختلال نوشتن

نوشتن فرایند پیچیده‌ای است و به مهارت‌ها و توانایی‌های مختلفی بستگی دارد که خود مستلزم داشتن درک صحیح از نوشتن است؛ برای مثال نیازمند هماهنگی حرکتی چشم و دست، کنترل بازو، دست و عضلات انگشت است. ناتوانی در نوشتن اعم از ناتوانی در املانویسی، دستخط و اشنانویسی است. املانویسی یکی از مهارت‌های مهم زبان نوشتاری است. نوشتن یک کلمه با املا کردن پیچیده‌تر و دشوارتر از خواندن آن است چرا که در خواندن، نشانه‌ها و حروف الفبا در بازشناسی کلمه فرد را یاری می‌کنند، اما در نوشتن دانش آموز باید بر روابط آواها و نشانه‌ها، تجزیه واژه‌ها و نحوه ترکیب عناصر متشکله آن آگاهی و مهارت کامل داشته باشد.

## نشانه‌ها و ویژگی‌ها

- اشکال در تلفظ حروف
- جایگزینی یک حرف به جای حرف دیگر
- عدم رعایت علائم مثل نقطه و ویرگول
- اشکال در بخش کردن و هجی کردن کلمه‌ها
- زیرلبی و بسیار آهسته خواندن
- فراموش کردن صدای حروف
- اضافه یا حذف کردن بعضی از حروف کلمه
- ادغام چند کلمه با یکدیگر
- معکوس کردن کلمه (آینه‌نویسی)
- مکث و توقف زیاد بین تلفظ کلمات

مشکلات ناتوانی در تمیز شنیداری صداها را دارند که این مشکل ممکن است در نتیجه عفونت گوش که فرد قبلاً به آن مبتلا شده، ایجاد شود. گروه دیگری از کودکان دارای مشکلات تمیز بینایی هستند که ممکن است حروف و کلمات را به صورت واژگون بنویسند. مشکل آن‌ها در ارتباط حروف با یکدیگر است که مربوط به ذخیره ذهنی حافظه بلندمدت آن‌هاست. مشکل بچه‌هایی که اختلال در خواندن دارند ناشی از ضعف قدرت و عملکرد در مغز آن‌هاست. در این کودکان چشم آن‌ها و گوش‌ها به صورت عادی عمل می‌کنند؛ اما قدرت تمرکز برای سرعت تجسم در حافظه پایین است.

## عوامل آموزشی

غیبت‌های مکرر از کلاس درس، اختلال یا نقص در برنامه آموزشی، مثل عدم حضور معلم یا جابه‌جایی معلم، فقدان مهارت کافی معلم، سوء رفتار با کودک در محیط‌های آموزشی نیز می‌تواند منجر به مشکلات یادگیری در کودک شود.

## عوامل محیطی

عوامل محیطی بسیاری وجود دارد که می‌تواند به پیچیدگی ناتوانی‌های یادگیری بیفزاید و حتی شاید سبب‌ساز آن باشد. جدایی طولانی کودک از والدین به ویژه مادر (این جدایی در دوران نوزادی تأثیرات شدیدی بر رشد کودک دارد)؛ بیماری، ضعف و ناتوانی شدید و طولانی در دوران نوزادی یا سال‌های اولیه زندگی کودک، مورد بی‌توجهی و بی‌مهری قرار گرفتن در خانه و مدرسه و نیز تحریک زبانی ناکافی. زبان به واسطه نقشش در تفکر و یادگیری سایر مهارت‌ها، در محیط زندگی کودک جایگاه ویژه‌ای دارد. ممکن است ناتوانی کودک از نبود مدل‌های درست در اوایل رشد وی سرچشمه گرفته باشد.

- خواندن با سرعت بسیار کند یا بسیار تند که منجر به حذف کلمه‌ها می‌شود
- گم کردن کلمه‌ها در یک سطر
- تکرار حروف در یک کلمه (لکنت)
- حرکت دادن سر به جای حرکت دادن چشم موقع خواندن
- به زحمت و با صدای کشیده و لحن یکنواخت خواندن
- ناتوانی در یادگیری و یادآوری کلماتی که دیده‌اند
- خط ناخوانا
- بی‌قراری در استفاده از دست
- اشکال در نوشتن هنگام املانویسی

## مشکلات غیر اختصاصی خواندن

- وجود اضطراب یا افسردگی در کودک
- فقدان توجه و تمرکز کافی
- فقدان شور و اشتیاق برای خواندن و نوشتن
- افت تحصیلی
- عدم توجه به جزئیات یا توجه بیش از حد به جزئیات
- احساس ناامیدی، بی‌کفایتی و نداشتن جسارت

## بررسی علل

ناتوانی‌های یادگیری از منظر پزشکی، روان‌شناختی، و تعلیم‌و تربیتی قابل بررسی هستند.

## عوامل فیزیولوژیک

بسیاری از متخصصان بر این باورند که علل اساسی و عمده ناتوانی‌های یادگیری آسیب‌دیدگی مغزی جزئی یا شدید و وارد شدن صدمه به دستگاه عصبی مرکزی است. مطالعه متابولیسم مخچه افرادی که در یادگیری مشکل دارند این است که مخچه آن‌ها ممکن است آسیب دیده باشد. مشکلات کودکان در این زمینه از ادراک شنیداری و دیداری آن‌ها نشئت می‌گیرد. برخی از کودکان

یک طرح آموزشی انفرادی بر اساس زمینه‌های قدرت و ضعف کودک تهیه و تنظیم می‌شود (توسط متخصصان این زمینه).

کلام آخر اینکه، اختلال در خواندن که بسیار متداول است، به ویژه برای کودکانی دردآور است که این بیماری را دارند ولی نمی‌توانند دریابند چرا خواندن برایشان دشوار است، در حالی که می‌دانند به اندازه‌ی دوستانشان باهوش‌اند. بسیاری از این کودکان اعتمادبهنفس خود را از دست می‌دهند که این می‌تواند آن‌ها را به ناتوانی، تهاجم و حتی بزهکاری هدایت کند. نه تنها دریافتن علل بیولوژیک این بیماری، بلکه کمک به پیشگیری از آن نیز دشوار است. درک روش بهتر خواندن می‌تواند ما را به راهی پشت سر گذاشتن و درمان این مشکل هدایت کند. مریدان آموزش همراه با مادران و پدران و متخصصان می‌توانند از اقدامات عملی صحیح به کاهش رنج و درد این بچه‌ها کمک کنند. خواندن مهارتی است ضروری که معلمان بایستی اطلاعات بسیار وسیعی در زمینه آن داشته باشند. اگر بتوانیم به موقع این کودکان را دریابیم آن‌ها می‌توانند از توانایی‌های بالای خود در زمینه‌های دیگری مثل ورزش، کار با رایانه، خرید و فروش و یا هنر بهره‌گیرند. پس می‌توان باور داشت نه تنها افراد دارای مشکلات خواندن می‌توانند مشکل‌شان را حل کنند، بلکه حتی ممکن است برخی از آنان از استعدادهای درخشانی برخوردار باشند و در زمینه‌های مختلفی نبوغ‌شان را نشان دهند.

## بتهوون موسیقی‌دان مطرح دنیا،

همگی دچار اختلالات یادگیری بودند.

● قرار دادن دانش‌آموز نارساخوان در ردیف جلوی کلاس، تا معلم از توجه و یادگیری او اطمینان حاصل کند.

● درک مناسب شرایط دانش‌آموز نارساخوان و کمک به او تا ناامیدی‌اش کاهش یابد و انگیزه بیشتری برای ارتقای وضعیتش داشته باشد. نباید از چنین کودکی انتظار داشت که سر کلاس از روی متنی بلند بخواند، بلکه باید به او اجازه داده شود آرام با خواندن بقیه دانش‌آموزان پیش رود و اگر خواست خواندن آن‌ها را ضبط کند.

● تکالیف نوشتنی یکی دیگر مشکلات دانش‌آموزانی است که نارسائی در خواندن دارند. معلم نباید کار این دانش‌آموزان را با کار سایر دانش‌آموزان مقایسه کند. بلکه بهتر است برای هر تکلیف نوشتنی، آنان را مورد تشویق و تحسین قرار دهد بدون اینکه به تناسب و کیفیت کارشان دقت زیادی کند. حتی معلم می‌تواند برای اینکه بقیه دانش‌آموزان این بچه‌ها را درک کنند متون خاصی را برای تکلیف خواندن به آن‌ها بدهد که به صورت برعکس نوشته شده باشد، تا بدین ترتیب سایر دانش‌آموزان را از مشکلاتی که دانش‌آموزان نارساخوان با آن مواجه هستند آگاه کند.

● تحریک حس لامسه در کنار حس بینایی و شنوایی راه دیگری برای کمک به این دانش‌آموزان است. در این روش با لمس و ردگیری انگشتی کار انجام می‌شود. معلم کلمه‌ای را به صورت خوانا و بزرگ و با دست روی صفحه‌ای از کاغذ می‌نویسد و از کودک می‌خواهد که با انگشت خود از ابتدا تا انتهای کلمه را ردگیری کند. پس از آن نوشتن حروف و کلمات اشتباه شده و تلفظ آن در حین نوشتن می‌تواند مؤثر واقع شود.

● در نهایت انجام آزمون‌های تشخیصی معلوم می‌کند که کودک در کدام زمینه مواجه با شکست شده و در چه سطوحی متوقف گردیده است و حدود یادگیری او تعیین می‌گردد و اینکه مشکل یادگیری او به کدام یک از مسائل ادراک، حافظه، زبان و ... مربوط می‌شود. سپس

## عوامل ژنتیکی

شواهدی در دست است که نشان می‌دهد ناتوانی‌های یادگیری احتمالاً در برخی خانواده‌ها بیش از دیگران دیده می‌شود. در واقع عوامل ژنتیکی در بسیاری از ناتوانی‌های یادگیری نقش دارند.

## راهبردهای درمانی

با توجه به تعاریفی که از دانش‌آموزان دارای مشکلات یادگیری بیان شد، به نظر می‌رسد معلم از اولین کسانی است که متوجه این‌گونه دانش‌آموزان می‌شود. بنابراین بنیادی‌ترین عامل درمان‌کننده این ناتوانی معلم است، چون با فراگیر در ارتباط متقابل است. اگر در نهایت با انجام راهکارهایی که در ادامه می‌آید دانش‌آموز پیشرفت چشمگیری نداشت، می‌توان او را به مراکز توان‌بخشی خاص مشکلات یادگیری رهنمون شد.

● اولین گام در مسیر کمک به دانش‌آموز دارای اختلال یادگیری، ایجاد رابطه‌ی دوستانه و صمیمی با او است. این ارتباط می‌تواند اضطراب‌های کودک را در همان گام‌های اول کاهش دهد.

● معلم باید درمان را از پایین‌ترین مرحله و از آسان به مشکل آغاز کند تا مهم‌ترین نکته که بالا بردن خودپنداره‌ی کودک است تقویت شود.

● بیشتر برنامه‌های درمانی را به صورت بازی ارائه دهد.

● روحیه دادن به دانش‌آموز به بیان مثال از زندگی افراد موفق که دچار این مشکل بوده‌اند مثل **آلبرت اینشتین** نابغه ریاضی، **توماس ادیسون** مخترع و مبتکر و نابغه آمریکایی، **آگوست رودین** مجسمه‌ساز بزرگ فرانسه، **لئوناردو داوینچی** نقاش نامی و